

## حسن آشناسان



۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۵ ■  
۸ مهر ۱۳۶۴ ■

او در ۱۳۳۶ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۳۹ با درجه ستوان دومی فارغ التحصیل شد و یک سال بعد دوره مقدماتی را به پایان رساند. پس از آن، در اولین دوره «رنجر»، «دوره‌های عالی ستاد فرماندهی»، «دوره‌های چتربازی و تکاوری» شرکت کرد. حسن آشناسان یکی از فرماندهان لایق نظامی ایران بود، که در خلال جنگ ایران و عراق، فرماندهی قرارگاه منطقه‌ای نرجا و لشکر ۲۳ نیروهای ویژه هوای ارتش را بر عهده داشت.

## احمد کشوری



۳۱ تیر ۱۳۳۲ ■  
۱۵ آذر ۱۳۵۹ ■

«احمد کشوری» خلبان بالگردهای بل-۲۰۶ جت رنجر و بل ای-۱ کبرا در هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که در جنگ ایران و عراق به شهادت رسید. سرشناسی او به دلیل شرکت در مهار شورش ۱۳۵۷-۱۳۵۹ کردستان ایران، حضور فعال سه‌ماهه در جنگ ایران و عراق و نحوه درگذشت شجاعانه اوست. شایان ذکر است، درجه او پس از شهادتش به سرلشکر ارتقا یافت.

## عباس دوران



۱۳۲۹ مهر ■  
۳۰ تیر ۱۳۶۱ ■

او سرهنگ جنگنده مک‌دانل داگلاس اف-۴ فانتوم ۲ نیروی هوایی ایران بود که در ماه‌های آغازین جنگ ایران و عراق، نقش مهمی در بمباران اهداف دشمن عراقی ایفا کرد. عباس دوران در دو سال اول جنگ بیش از ۱۲۰ عملیات و پرواز برون‌مرزی موفق داشت. او در عملیات بغداد در خاک عراق پس از عملیاتی دلاورانه به درجه رفیع شهادت نائل شد.

شهید کلاهدوز نقش بسزایی داشت. کلاهدوز هرگز ارتباط خود را با ارتش قطع نکرد و بر این اساس جلسات متعددی با افراد رده‌بالای ارتش و سپاه برگزار می‌کرد و در نزدیک شدن این دو نهاد مردمی، تأثیر بسزایی داشت.

تدوین اساس نامه تشکیلاتی سپاه از جمله مواردی است که شهید کلاهدوز در آن نقش بسزایی داشت. زمانی که مقرر شد برای سپاه آرم و علامتی در نظر گرفته شود، او معتقد بود باید با صاحب‌نظران مشورت شود و در این زمینه سهل‌انگاری را جایز نمی‌دانست. اهل افراط و تفریط نبود. بر خوردهایش کاملاً حساب‌شده و سنجیده بود. او عنصری آگاه و در تمام زمینه‌ها، فعال، کنجکاو و نمونه بود. راستی، درستی و صداقت در کارها، رفتار و گفتارش جلوه‌گر بود.

بسیاری از دوستان و هم‌زمان وی معتقدند که او عصاره و خلاصه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و مجموع ویژگی‌هایی که انقلاب برای یک سپاهی و یک پاسدار اسلام قائل است، در او گرد آمده بودند. او از تظاهر و خودنمایی پرهیز داشت و در انجام وظایف اجتماعی، اعتقادی و مذهبی می‌کوشید کارها را بدون ریا و تنها به خاطر رضای خدا انجام دهد و همین صفت حسنه او بود که باعث شد همسایگانش متوجه نشوند کسی که در همسایگی آنها زندگی می‌کند، قائم‌مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. همین امر باعث شده بود که تمامی اهل محل و همسایگان انگشت حسرت به دهان گیرند که چرا او را بهتر و بیشتر شناخته‌اند.

در انجام فرمان‌های الهی پای‌بند بود و تحت هیچ شرایطی از انجام آن، شانه خالی نمی‌کرد. در محیط خانواده آرام و متین بود، چنان‌که همه او را دوست می‌داشتند. در کارها بسیار جدی و مطمئن بود و احساس مسئولیت می‌کرد. مردم‌دار، خوش‌فکر، مودب و پاکیزه بود؛ به‌راستی که خلوص و ادب و رفتار او می‌تواند برای همگان سرمشق و الگوی خوبی باشد. کم می‌خوابید، کم می‌خورد و کم حرف می‌زد. مدیریت صحیح و پشتکار و خستگی‌ناپذیری، سعه صدر و تحمل زیادی در ناملایمات و شداید داشت. سنگ صبور همه بود. بی‌توقع، بی‌ریا و عاشق و مخلص و جوانمرد بود. از هیچ‌کس گله نمی‌کرد و با انجام کوچک‌ترین خطایی، فوراً عذرخواهی می‌کرد. در مشکلات صبور بود و دیگران را دلداری می‌داد.

روحیه شهادت‌طلبی داشت و می‌کوشید آن را در دیگران نیز تقویت کند. سرانجام شهید کلاهدوز در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۷، در فاجعه سقوط هواپیما سی ۱۳۰ به شهادت رسید. وقتی خبر شهادتش به سپاه رسید، عده‌ای از بچه‌ها می‌گفتند که سپاه یتیم شده است.



او عصاره و خلاصه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و مجموع ویژگی‌هایی که انقلاب برای یک سپاهی و یک پاسدار اسلام قائل است، در او گرد آمده بودند. او از تظاهر و خودنمایی پرهیز داشت و در انجام وظایف اجتماعی، اعتقادی و مذهبی می‌کوشید کارها را بدون ریا و تنها به خاطر رضای خدا انجام دهد و همین صفت حسنه او بود که باعث شد همسایگانش متوجه نشوند کسی که در همسایگی آنها زندگی می‌کند، قائم‌مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. همین امر باعث شده بود که تمامی اهل محل و همسایگان انگشت حسرت به دهان گیرند که چرا او را بهتر و بیشتر شناخته‌اند.

و روز از وسایل، ابزار و ادوات پادگان‌ها حفاظت می‌کرد و در دستگیری سران رژیم، نقش موثری داشت. زمانی که عده‌ای دم از انحلال ارتش می‌زدند، او سخت مخالفت کرد و با اطاعت از فرمان حضرت امام (ره)، کار سازمان بخشیدن به ارتش را بر عهده گرفت؛ گروهی که هسته مرکزی آن با همت والای کلاهدوز، اقارب‌پرست و تنی چند از نظامیان متعهد و نیروهای انقلابی تشکیل شد و ارتش مکتبی از رهاوردهای شایان توجه این ستاد بود. نقش موثر و کارساز شهید کلاهدوز تنها در حوزه عمل این کمیته خلاصه نمی‌شد، بلکه او به همراه شهید منتظری و شهید نامجو، واحدی از نیروهای انقلابی را در گارد سابق تشکیل داد و خود بهترین مشاور مطلع و آگاه برای آنها بود. همکاری او با سپاه از قبل از تشکیل سپاه بود. او با همراهی شهید منتظری و تنی چند از نیروهای متعهد تشکیلاتی به نام «پاسداران انقلاب» را ایجاد کرد. هنگامی که سپاه به صورت منظم به‌عنوان یک نهاد به امر حضرت امام (ره) ایجاد شد، کلاهدوز جزو اولین کسانی بود که با میل و رغبت خود به سپاه روی آورد و به‌عنوان یکی از اعضای شورای عالی سپاه انتخاب شد.

باید او را به حق از بنیان‌گذاران و از محورهای اصلی سپاه دانست. نقش او در لحظه‌لحظه‌های این نهاد مقدس مشهود است. با آن اعتقادات عمیق از همان ابتدا، امر مهم آموزش را در سپاه از طرف نماینده شورای انقلاب بر عهده گرفت و در نتیجه فعالیت‌های چشمگیر، قائم‌مقام فرمانده سپاه شد. او از جمله کسانی بود که توانست سپاه را در مقابل تمامی توطئه‌های داخلی و خارجی حفظ کند؛ پس از مدتی ارتش و سپاه به همت او و یارانش، دو بازوی توانمند انقلاب شدند.

شهید کلاهدوز معتقد بود که سپاه باید نیروی منظم زمینی و هوایی داشته باشد و به پیروی از همین نیت، موفق شد با کمک افراد متخصص و متعهد طرح تشکیل یگان هوایی را در سپاه تهیه کند. کلاهدوز دریافته بود که امریکا درصدد ترفندهای جدیدی برای ضربه‌زدن به اسلام است. از این‌رو مساله جنگ‌های پارتیزانی و آموزش آنها را برای اعضای سپاه پیشنهاد کرد و سپس در پی جذب نیروهای نخبه در سپاه شد. زیرا معتقد بود سپاه به افراد متعهد و متخصص برای افسری نیاز دارد و برای این منظور از هیچ کوشش و تلاشی فروگذار نکرد.

وادی ششم زندگی او، دوران جنگ تحمیلی و دفاع مقدس است که او در اوج توطئه‌ها، دسیسه تمامی کفر را برملا می‌سازد تا از پلکان عرش الهی با نردبان عشق بالا رود و هر پله را با خون خود رنگین کند و زردی چهره‌اش را با سرخی شهادت، صبغ‌های الهی بخشد. در عملیات شکست حصر آبادان، که با فرمان صریح حضرت امام (قدس سره) آغاز شد،

